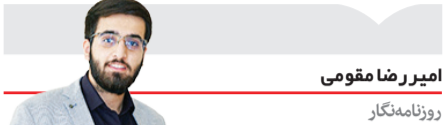




گفت و گوی «فرهیختگان» با حمزه صفوی، استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه تهران درباره عادی سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی

امارات درگیر مشکلات امنیتی می شود



امیر رضا مقومی

روزنامه نگار

رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی، عادی سازی روابطشان را همچنان با سرعت پیش می برند. اینکه چه شد که امارات به سمت علنی کردن ارتباط خود با رژیم صهیونیستی رفت، موضوعی است که تحلیلگران همچنان مشغول بررسی آن هستند. رسانه ها و تحلیلگرانی که در قالب پروپاگاندا علیه جمهوری اسلامی فعالیت می کنند، این ماجراجویی شیخ نشین ها را به رفتار منطقه ای ایران ربط می دهند اما دکتر حمزه صفوی، استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه تهران و نویسنده کتاب «امارات متحده عربی» معتقد است سیاست های دوگانه اعراب نسبت به مساله سوریه، اختلاف های درونی در شورای همکاری خلیج فارس، سیاست های جنگ افروزانه عربستان در خاورمیانه و دخالت امارات در کشورهای دیگر، باعث شده است که به امان رژیم صهیونیستی پناه برد و سعی کند با عادی سازی روابط با تل آویو، سیاست های اشتباهات خود را توجیه کند. او می گوید عادی سازی روابط، غرب آسیا را وارد فصل جدیدی خواهد کرد و این منطقه تبدیل به دو قطب متضاد مدافعان رژیم صهیونیستی و مخالفان رژیم صهیونیستی می شود و این مساله شکاف کشورها که لازمه شکل گیری امنیت دسته جمعی است را بیش از قبل خواهد کرد. صفوی می گوید سیاست عادی سازی نه تنها برای منطقه نفعی نخواهد داشت بلکه حتی سود چندانی نیز عاید امارات نیز نخواهد کرد. و معضلات امنیتی زیادی برای ابوظبی ایجاد خواهد کرد. او معتقد است پروژه دوگانه سازی خاورمیانه با این اقدام امارات شکل دیگری به خود گرفت و از این رو خاورمیانه به دو گروه تبدیل می شود که در یک طرف رژیم صهیونیستی و متحدانش و در سوی دیگر محور مقاومت قرار دارد. در این دوگانه سازی، امارات متحده عربی بیشتر از رژیم صهیونیستی متضرر خواهد شد. متن این گفت و گورا در ادامه می خوانید.

۱۱۱

رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تقریباً با تهدیدی سنگین از طرف کشورهای محافظه کار عربی مانند امارات روبه رو نبوده است. این کشورها حتی در مواردی دست به همکاری با تل آویو نیز زده اند. با این وجود اهداف و منافع رژیم صهیونیستی از عادی سازی روابط با امارات چیست؟

از سال ۱۹۶۷ تا کنون و به خصوص در دو سال گذشته ما شاهد بیشترین ساختار شکنی از سوی رژیم صهیونیستی علیه منافع فلسطینیان بوده ایم. تل آویو حتی به موازین و دستورات سهل گیرانه سازمان ملل که به منافع و حقوق فلسطینیان و دیگر کشورهای منطقه با دید حداقلی نگاه کرده است، پایبند نبوده و سیاست های تهاجمی خود را با سرعت بیشتری پیگیری کرده است. قطعنامه های سازمان ملل که به خاطر حمایت های بی دریغ آمریکا از رژیم صهیونیستی فاصله بسیاری با عدالت دارند نیز موجب مهار رژیم صهیونیستی نشده است و آنها نیز به ساختار شکنی های خود ادامه داده اند. از سوی دیگر در طول سه سال اخیر و در دوران ریاست جمهوری ترامپ با تلاش هایی که لابی های قدرتمند صهیونیستی در آمریکا کرده اند و با همکاری هایی که داماد ترامپ یعنی جرد کوشنر انجام داده است، رژیم صهیونیستی با سرعت بیشتری نسبت به قبل، به قطعنامه های تهاجمی خود را تسریع بخشیده و از گشایش قطعه نامه های سازمان ملل را نادیده گرفته است. حمله به سوریه، حمله به لبنان، حمله به بلندی های جولان و ادامه شهرک سازی ها و موارد مختلفی که به نوعی نقض آشکار قطعنامه های سازمان ملل بوده است، نمونه های این عملکرد صهیونیست هاست.

در طول این سال ها، تل آویو فشار حداکثری علیه فلسطینیان اعمال کرده تا از این طریق اولاً نشان دهد که سازمان های بین المللی در این زمینه کاری از دستشان برمی آید و ثانیاً با وجود این فشارها، کشورهای عربی مجبور به تنظیم سطح خواسته هایشان و تعظیم کردن در مقابل موجودیت رژیم صهیونیستی شوند. کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله امارات متحده عربی با یک مشکل اساسی دست و پنجه نرم می کنند؛ منبع مشروعیت شان است. در ابوظبی مردم، منبع مشروعیت حکمرانی نذازند او اصولاً این کشورها، کشورهای انتخاباتی نبوده و همواره با بحران مشروعیت مواجه بوده اند. این بحران مشروعیت، یک بعد داخلی و یک بعد بین المللی دارد. در هر دو بعد، اعراب حاشیه خلیج فارس با چالش هایی مواجه هستند. به همین دلیل این کشورها برای حل معضل مشروعیت مجبور شده اند در بعد بین المللی یک سری امتیازات به کشورهای خارجی واگذار کنند. به طور مثال امارات با دادن امتیازهایی سعی کرده نظر آمریکا را به عنوان قیم به خود جلب کند تا با حمایت های واشنگتن بتوانند این شیخ نشین ها بر سر قدرت باقی بمانند. اما نکته مهم این است که معمولاً خواسته های آمریکا با خواسته های رژیم صهیونیستی یکسان است. بنابراین کشورهای عربی مجبور شده اند یک سری امتیازات را به طور مشترک به رژیم صهیونیستی و آمریکا بدهند تا چتر حمایتی آنها را داشته باشند و قادر باشند هم در بعد داخلی و هم در بعد منطقه ای نقش آفرینی کنند.

اما در پاسخ به این سوال که چرا رژیم صهیونیستی سعی کرد این توافق را علنی کند، شکستن قیج ارتباط با تل آویو با وجود ظلم آشکار علیه فلسطینیان و با وجود تهدید برای کشورهای منطقه است. اگر بخواهیم به صورت ساده بیان کنیم، هدف رژیم صهیونیستی این است که نشان بدهد «همین هست که هست» و کشورهای منطقه و فرامنطقه باید وضع موجود را بپذیرند.



شکل گیری امنیت دسته جمعی است، نسبت به قبل بیشتر خواهد شد. طرح هایی همچون طرح هرمز که در آن منافع کل کشورهای خاورمیانه در نظر گرفته شده بود را نیز با چالش هایی مواجه می کند و عملاً همان گونه که گفته شد خاورمیانه تبدیل به دو قطب متضاد مدافعان و مخالفان رژیم صهیونیستی می شود.

فکر نمی کنم امارات بتواند چنین پتانسیلی داشته باشد که در برابر ایران بی پروا عمل کند. امارات بیش از آنکه پنداشته شده، آسیب پذیر است و فکر می کنم در ظرف یک سال آینده با چالش های امنیتی بسیاری مواجه خواهد شد و مسئولان اماراتی نیز با گذشت چند سال متوجه می شوند که با این تصمیم، حکومت شان را با چالش های امنیتی زیادی مواجه کرده اند. در این بین باید عنایت داشت که امارات در حال حاضر چالش های امنیتی نسبتاً کمی دارد و به سخن دیگر، مساله بسیار بغرنجی آنها را تهدید نمی کند؛ اما این سیاست عادی سازی، داستان را وارونه خواهد کرد. علاوه بر این، امارات به دلیل عمق استراتژیک کم قادر نیست تهدید مهمی علیه ایران محسوب شود و ایران را به چالش بکشاند. اما در طرف دیگر، امارات ممکن است با چالش های متعددی از سوی گروه های مدافع حقوق فلسطین روبه رو شود. بنابراین فکر می کنم مضرات این اقدام برای امارات در بلندمدت بیش از منافع آن باشد.

با توجه به خبرها دیگر کشورهای محافظه کار همچون بحرین نیز خواهان عادی سازی روابط هستند. چه مسائلی در طول این سال ها موجب شده که کشورهای محافظه کار که زمانی برای حفظ آبروی خود در جبهه عربی و جهان اسلام از آرمان فلسطین سخن می گفتند، شروع به عادی سازی روابط کنند؟ آیا سیاست های ایران و ترکیه در تشدید عادی سازی روابط مؤثر بوده است؟

آنگار از مساله فلسطین برای منافع ملی ترکیه استفاده می کند؛ یعنی ترکیه در وهله اول به منافع ملی خود نگاه می کند نه به منافع فلسطینیان. ترکیه به دنبال کسب وجهه و همزبونی در جهان اسلام است چرا که آنکارا پس از تجربه سرخوردگی از بیوستن به اتحادیه اروپا و چالش هایش با آمریکا و روسیه، تلاش کرد تا نفوذ خود را در خاورمیانه و جهان اسلام افزایش دهد. ترکیه از مساله فلسطین نیز به همین منظور استفاده می کند. به سخن دیگر مساله فلسطین برای ترکیه ابزاری است که بتواند نفوذ خود را در خاورمیانه بیشتر کند. اما نگاه ایران به مساله فلسطین یک نگاه مبتنی بر منافع کل خاورمیانه است و صرفاً دنبال منافع ملی نیست. از سوی دیگر ایران در قضیه فلسطین به بحث عدالت و خنثیت تاکید دارد و به دنبال سود فردی نیست. از این رو در اینجا مساله ترکیه با ایران متفاوت است.

به نظر من اینکه عده ای می گویند سیاست های ایران باعث نزدیکی امارات به رژیم صهیونیستی شده است، نادرست است و به نوعی خلط میحت است. سیاست های دوگانه اعراب نسبت به مساله سوریه و سیاست های اشتباه اعراب در مساله یمن، اختلاف های درونی در شورای همکاری خلیج فارس، سیاست های جنگ افروزانه عربستان در خاورمیانه و دخالت امارات در کشورهای دیگر از جمله در سوریه، یمن، لبنان، عراق و بلندی پرواز هایبی که در آفریقا می کند، باعث شده است به دامان رژیم صهیونیستی پناه برد و سعی کند با عادی سازی روابط با تل آویو، برای سیاست های اشتباهات خود عقبه حمایتگر ایجاد کند. به نظر من امارات در پس اشتباهاتی که انجام داده، اشتباه دیگری نیز انجام داد. رژیم صهیونیستی به دلیل داشتن معضلات امنیتی در بعد داخلی و خارجی اش نخواهد توانست حامی و مدافع امنیتی خوبی برای امارات باشد. در سوی دیگر اگر امارات به پشتوانه آمریکا این کار را انجام داده است باید بداند که آمریکا در این منطقه میهمان ناخوانده ای است که در نهایت از منطقه خواهد رفت و امارات خواهد ماند و همسایگانش. به نظر

می رسد رهبران امارات این موضوع نزدیکی با همسایگان را درک نکرده اند؛ چرا که اولویت در سیاست خارجی تکیه کردن بر همسایگانی است که جدایی ناپذیرند و به صورت جبری همواره کنار یکدیگر حضور دارند. تکیه به قدرتی که در آینده معلوم نیست چقدر در قدرت باقی بماند و چقدر خاورمیانه برایش در اولویت باشد و چقدر حاضر باشد برای خاورمیانه هزینه بکند، یک اشتباه فاحش است که اماراتی ها دچارش شده اند. آنچه باقی خواهد ماند، امارات و همسایگانش هستند و خیانت و خنجری که امارات از پشت به منافع منطقه ای و فلسطینی فرو برد، از حافظه تاریخی منطقه پاک نخواهد شد.

به نظر شما جبهه مقاومت در قبال این سیاست عادی سازی که به نظر می رسد دو مینووار دیگر پادشاهی های محافظه کار را در بر خواهد گرفت چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟ و محور مقاومت چه ابزارهایی برای مقابله با سیاست عادی سازی دارد؟

رژیم صهیونیستی به کشورهای دیگر منطقه فروخته نمی شدند. این محدودیت ها به جز عدم فروش سلاح های مانند جنگنده های اف-۳۵ شامل محدودیت در برد و نیز تسلیحات راهبردی دور ایستای جنگنده های خریداری شده توسط کشورهای عربی نیز می شد. حالا با این عادی سازی گفته می شود تسلیحات پیشرفته تر تهاجمی در اختیار امارات قرار خواهد گرفت. تسلیحاتی که مشخصاً برای مقابله با ایران خواهند بود و از لحاظ نظری به ابوظبی قدرت حملات عمقی به خاک ایران را خواهند داد. این مساله را چگونه ارزیابی می کنید؟

پیامدهای فروش تسلیحات تهاجمی دقیق و دوربرد به امارات چیست؟

به اعتقاد من این تسلیحات در عمل برای مقابله با ایران کارآمد نیست؛ چرا که این تسلیحات از جنس جنگ های منظم است در حالی که بیش از ۲۰ سال است که ایران خود را برای جنگ های غیرمنظم آماده می کند. به همین منظور ایران از سال ها پیش برای مقابله با این سلاح ها خودش را آماده کرده است. بنابراین در این میان، سلاحی که بتواند قواعد بازی را تغییر دهد، وجود ندارد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران خودش را برای مقابله با آمریکا آماده کرده پس رویارویی با امارات با سلاح های آمریکایی نمی تواند برای ایران مساله ساز باشد. ایران و امارات از بعد سرزمینی، یکسان نیستند و به همین دلیل اگر زمانی جنگی به وقوع بپیوندد، هزاران میلیارد سرمایه امارات طرف چند روز به آتش کشیده و حاکمیتش با بحران مواجه می شود. وسعت سرزمینی ایران و آمادگی وسیع برای مقابله با تسلیحات پیشرفته آمریکایی موجب شده است که ایران نگرانی خاصی از این بابت نداشته باشد. امارات نیز این را می داند که روز نخست جنگ با ایران، روز آخرش خواهد بود. اما در بعد اطلاعاتی و جاسوسی و اقتصادی ممکن است چالش هایی برای ایران به وجود آید که باید تمهیداتی اندیشیده شود.

رژیم صهیونیستی در گذشته سابقه استفاده از خاک کشورهای همسایه ایران برای ضربه به کشورمان را داشته است. نفوذ دادن جاسوس از کشور آذربایجان برای ترور دانشمندان هسته ای ایران از مهم ترین نمونه های استفاده های تل آویو از روابط با کوست. آیا این اتفاق درباره امارات نیز رخ خواهد داد؟

نفوذ اطلاعاتی و جاسوسی مساله مهمی است. برخلاف گفته امارات که عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی یک مساله داخلی است، باید گفت این موضوع صرفاً مساله داخلی امارات نیست؛ چرا که این مساله امنیت ایران را تحت تاثیر قرار می دهد و ایران باید از جنبه اطلاعاتی و امنیتی روی امارات تمرکز کند و نسبت به این کشور اشراف کامل داشته باشد. از سوی دیگر امارات که در دوران تحریم زمان آقای احمدی نژاد همکاری هایی با ایران در جهت دور زدن تحریم ها داشت و در مساله یمن گفت و گوها و توافق هایی تا کنون با ایران داشته، اکنون با چالش جدی در خصوص رابطه با ایران مواجه شده است. اضافه بر این، ایران دیگر نمی تواند امارات را به عنوان دوست و شریک فرض کند. ایران باید یک مجموعه برنامه را در دستور کار خود قرار دهد؛ مناسبات اقتصادی با امارات را کاهش دهد و به امارات در جریان واردات و صادرات کالا و خدمات اتکا نکند؛ تسهیلات جابگزینی غیر از امارات را امتحان کند؛ اقدام به توسعه سواحل مکران کند و از اهمیت اقتصادی امارات بکاهد؛ از اختلافات مکران و ترکیه با امارات عربستان استفاده کرده و محور جدیدی علیه آنها ایجاد کند. شروع این محور جدید، می تواند با همین دو کشور ترکیه و قطر باشد و در آینده عراق نیز به این کشورها اضافه شود. مبنای شکل گیری این محور نیز می تواند براساس منافع مشترک و عدم به رسمیت بخشیدن به خواسته های نامعقول امارات و عربستان باشد.

به نظر من الان فرصت مناسبی برای ایران است که بتواند این اقدام را انجام دهد؛ چرا که عربستان یکی از مظنونان اصلی در کودتای علیه اردوغان در سال ۲۰۱۶ بود و از این نظر فاصله بسیاری بین دو کشور ترکیه و عربستان وجود دارد. از سوی دیگر اقداماتی که عربستان با قطر انجام داده است و شروط استعماری که برای قطر طراحی کرده است منجر به دشمنی بین این دو کشور شده است. در این بین تهران می تواند از این مسائل استفاده کند تا یک نظام همکاری جمعی در بخشی از خاورمیانه تشکیل دهیم و در مقابل دیگر کشورها ایفای نقش کنیم و بتوانیم سیاست های منطقه ای و فرامنطقه ای منطق بر خواسته های عادلانه و منافع مشترک منطقه ای را به پیش ببریم. از سوی دیگر محور دیگری که به ابتکار ماها تیر محمد در اجلاس کوالا لامپور ۲۰۱۹ شکل گرفت، می تواند ظرفیت مهمی در شکل گیری نظم نوین در جهان اسلام ایفا کند تا در آن محوریت رژیم های دست نشانده مانند عربستان دیگر وجود نداشته باشد و منافع کشورهای اسلامی در آن پیگیری شود. از جمله این حقوق و منافع می تواند مساله فلسطین باشد. به نظر می رسد مفید فایده است ایران به شکل گیری محور جدیدی در همکاری اسلامی خارج از سازمان همکاری اسلامی به رهبری عربستان کمک کند. با این اقدام، یکی از محور های اصلی اتحاد در جهان اسلام، مساله فلسطین خواهد بود. سازمان همکاری اسلامی در طول سال هاشان داده است سازمانی تشریفاتی، فاقد کارآمدی و خالی از فایده برای جهان اسلام است. به نظر سازوکارهای دیپلماتیک جدید در جهان اسلام می تواند راه گشای وضع فعلی باشد.